



A Qur'anic and Hadith-Based Reflection on the Conditions for Attaining Divine Reward

Hamid Reza Sarvarian ¹

Abstract

Thawāb (divine reward) is among the key theological concepts in the Qur'an and Islamic traditions. As the innate human inclination drives individuals toward benefit and away from harm, a correct understanding of reward motivates the human soul to seek it. Yet, mere desire for thawāb is insufficient for its attainment. This study seeks to address the central question: What are the necessary conditions, according to the Qur'an and hadith, for attaining divine reward? The objective of this research is to analyze the prerequisites for achieving thawāb as presented in scriptural sources, in order to guide human behavior toward rightful conduct. This becomes especially vital in light of the materialistic culture of contemporary society, the distractions of virtual spaces, and widespread negligence of eternal felicity and divine recompense. Utilizing a descriptive-analytical methodology, the findings indicate that certain types of worldly rewards require only righteous action and effort without further conditions. However, for attaining ultimate eschatological reward (thawāb al-ukhrāwī) and higher forms of this-worldly reward associated with devotional acts, three conditions must co-exist: faith (īmān), righteous deed ('amal ṣāliḥ), and sincere intention (niyyah). A deficiency in any of these elements invalidates the attainment of divine or eternal reward. The study also shows that in some cases, a combination of worldly and otherworldly reward is possible; however, when immediate material gain conflicts with eschatological benefit, preference must be given to the latter.

Keywords: Divine Reward (Thawāb), Faith (Īmān), Righteous Deed ('Amal Ṣāliḥ), Intention (Niyyah), Qur'anic Verses and Hadiths.

Citation: Sarvarian, H. (2025). A Qur'anic and Hadith-Based Reflection on the Conditions for Attaining Divine Reward. *Narrative Quranic Research*, 1 (1), 28-48. (In Persian)

* Received: 2025/01/04, Revised: 2025/03/07, Accepted: 2025/04/16.

1. Associate Professor, Department of Quran Science and Hadith, Hazrat-e Masoumeh University, Qom, Iran. Email: sarvarianhr@hmu.ac.ir.



تأملی قرآنی - روایی در شرایط وصول به ثواب الهی

حمیدرضا سروریان ^۱

چکیده

ثواب از مفاهیم کلیدی در قرآن و روایات است. از آنجا که جلب منفعت و دفع زیان، فطری هر انسانی است فرد با تصور درست از منفعت خواهان آن می‌شود. ثواب هم نوعی منفعت است که فرد با تصور درست از آن، خواهان آن می‌شود، اما مسئله آن است که با صرف خواستن نمی‌توان به ثواب رسید. آنچه در این پژوهش دنبال می‌شود پاسخ به این سؤال است که از نظر قرآن و روایات برای وصول به ثواب چه شرایطی وجود دارد؟ هدف این پژوهش، تحلیل شرایط دستیابی به ثواب در آیات و روایات، به منظور آگاه‌سازی فرد برای اتخاذ رفتار صحیح در مسیر نیل به آن است. با توجه به فرهنگ مادی‌گرای حاکم بر دوران معاصر، به‌ویژه جذابیت‌های فضای مجازی و غفلت از سعادت ابدی و پاداش الهی، آگاهی نسبت به این مسئله ضرورتی انکارناپذیر دارد. یافته‌های این پژوهش که با رویکردی توصیفی - تحلیلی سامان یافته، حاکی از آن است که برای درک برخی از گونه‌های ثواب دنیوی، عمل صالح و همان تلاش کافی است و نیاز به شرطی افزون نیست، اما برای کسب ثواب اخروی و نیز ثواب‌های دنیوی مترتب بر انجام اعمال عبادی، باید سه شرط ایمان، عمل صالح و نیت با یکدیگر باشند و در صورت خلل در هر کدام از این شرایط، فرد به ثواب اخروی یا الهی نخواهد رسید. جمع میان ثواب دنیوی و اخروی در برخی موارد به‌صورت اجمالی امکان‌پذیر است؛ اما در مواردی که میان منفعت زودگذر دنیوی و منفعت اخروی تعارض وجود دارد، این جمع ممکن نیست.

واژگان کلیدی: ثواب، ایمان، عمل صالح، نیت، آیات و روایات.

استناد: سروریان، حمیدرضا (۱۴۰۴). تأملی قرآنی روایی در شرایط وصول به ثواب الهی. قرآن‌شناخت روایی، ۱ (۱)، ۲۸-۴۸.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۵، تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۲/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۲۷.

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه حضرت معصومه علیها السلام، قم، ایران. رایانامه: sarvarianhr@hmu.ac.ir

ثواب از مفاهیم بنیادین در منظومه معرفتی دین اسلام است که در علوم مختلف همچون اصول فقه، تفسیر، فقه و کلام مورد بحث و بررسی قرار گرفته و در هر یک از این شاخه‌ها با کارکردی خاص به آن پرداخته شده است. واژه «ثواب» در قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام به دفعات آمده و اغلب در بافت‌هایی چون وعده پاداش الهی، تشویق به انجام اعمال صالح، یا تقابل با عذاب و مجازات به کار رفته است. از آن‌جا که ثواب نوعی منفعت حقیقی و پایدار است، و انسان نیز به حکم فطرت منفعت طلب خود همواره در جستجوی خیر و سود است، این پرسش اساسی مطرح می‌شود که بر پایه آموزه‌های قرآن و روایات، چه شرایط و شاخص‌هایی برای تحقق ثواب الهی لازم است؟ آیا صرف انجام عمل نیک، بدون نیت الهی یا بدون باور ایمانی، پاداش‌آور خواهد بود؟ یا آنکه دستیابی به ثواب، مستلزم تحقق منظومه‌ای از شرایط درونی و بیرونی است؟

پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی - تحلیلی و با اتکا به منابع اصیل دینی، در پی آن است که به این پرسش بنیادین پاسخ دهد و شرایط لازم برای نیل به ثواب را تبیین نماید. در این میان، سه شرط کلیدی - ایمان، نیت و عمل صالح - محور بحث قرار می‌گیرد، چراکه در بسیاری از نصوص دینی، تحقق ثواب، نه به صرف انجام عمل، بلکه به پیوند این عمل با نیت الهی و باور ایمانی مشروط شده است.

ضرورت و اهمیت این تحقیق از چند جهت قابل تأمل است. نخست آنکه در فضای مادی‌زده و لذت‌جوی دوران معاصر، که بخش مهمی از انگیزه‌های انسانی به سمت منافع زودگذر و ملموس دنیوی جهت یافته، درک درست از ثواب الهی می‌تواند بازتعریفی از معنای «سود» و «زیان» در ذهن انسان معاصر ارائه دهد. به‌ویژه در عصر غلبه فضای مجازی و فرهنگ مصرفی، که اغلب با غفلت از مفاهیم متعالی همچون پاداش اخروی همراه است، این مسئله اهمیت مضاعف می‌یابد. دوم آنکه بسیاری از مؤمنان، در عین انجام عبادات و اعمال دینی، ممکن است به علت فقدان نیت صحیح یا ضعف ایمان، از ثواب واقعی محروم بمانند. آگاهی از شرایط واقعی تحقق ثواب می‌تواند در اصلاح جهت‌گیری دینی و ارتقاء کیفیت عمل نقش مؤثری ایفا کند. از این رو، این تحقیق در صدد است تا با بازخوانی آیات و روایات، تصویری روشن از مکانیزم پاداش‌دهی الهی ارائه کند و مخاطب را نسبت به راه‌های بهره‌مندی از ثواب حقیقی، اعم از دنیوی و اخروی، آگاه سازد؛ تا بدین وسیله، ایمان، نیت و عمل صالح نه تنها در سطح رفتار، بلکه در عمق بینش فرد مؤمن نیز نهادینه شود.

۲ - پیشینه تحقیق

اگرچه درباره ثواب، پژوهش‌های متعددی مانند: مقاله پژوهشی «تفاوت معنایی دو واژه اجر و ثواب در قرآن» به قلم نسرین انصاریان و محمد فلاحی که درباره شرط ثواب نگارش شده است، اما محور بحث در

تفاوت‌های این دو واژه قرار دارد. مقاله «ثواب استحقاق یا تفضل در رهیافت کلامی و متون دینی» نوشته حمیدرضا سروریان و محمد بنیانی، در شماره ۳۵ از نشریه علمی اندیشه نوین دینی که در آن، به استحقاقی بودن ثواب یا تفضلی بودن آن با رویکرد کلامی و استفاده از آیات و روایات پرداخته شده است، مقاله «ثواب» از سید جعفر صادقی فدکی در دائرة المعارف قرآن که در بخش‌هایی از آن به شرایط دستیابی به ثواب به اجمال اشاره شده است، ولی مستندات روایی آن کافی نیست و در نهایت پژوهشی مستقل در این باره یافت نشد.

۳- معنای لغوی و تعریف لفظی ثواب

برای تحلیل نظریه ثواب و روشن شدن معنای آن، در اصطلاح تفسیری و میزان تناسب معنای اصطلاحی با معنای لغوی، بررسی معنای لغوی ثواب، ضروری است تا در پرتو آن روشن شود که آیا ثواب در اصطلاح مفسران در همان معنای لغوی استعمال شده است یا در معنای جدید استعمال شده است؟ اگر در معنایی جدید به کار رفته است معنای لغوی با اصطلاحی آن چه تناسبی دارد؟

اصل ثوب، بازگشت چیزی به حالت اولیه‌اش است که قبلاً بر آن وضع و حالت قرار داشته یا بازگشت به حالت و مقصودی است که برایش در نظر گرفته شده است. ثوب، در معنی بازگشت به حالت و وضع نخستین آن است، مثل عبارت «ثَابَ فلان إلى دَارِهِ» یعنی «فلانی به خانه‌اش بازگشت» و عبارت «ثَابَتْ إلى نفسی» یعنی «به حال خودم آمدم». ثوب، به چرخیدن و گردیدن دُوک چرخ‌ریسی و برگشت آن به همان حالتی که ابتدا آن را چرخانده‌ایم، نیز اطلاق می‌شود. ثَوَابُ الْعَمَلِ، بازگشت به پاداش و جزاء اعمال شایسته است. ثواب، چیزی است که در برابر کارهای انسان به او باز می‌گردد. واژه ثواب - در کار خیر و شر هر دو به کار می‌رود، ولی بیشتر به صورت متعارف و معمولی - ثواب - از برای کار خیر و نیک است (راغب اصفهانی، ۱۴۲۵ق، ص ۱۷۹-۱۸۰) ثواب جزاست و در خیر و شر به کار رود، گرچه استعمال آن در خیر زیادتر است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۰). ثواب، اجر و پاداشی است که به صاحبش بر می‌گردد و به مثابه مکان رجوع و جزا برای گرفتن اجر است. ثوب، چیزی است که به شخص بر می‌گردد و به فرد معین ارتباط دارد و لباس هرکس دارای کیفیت، اندازه و خصوصیات مشخصی است که مناسب اوست و مانند صورت و زینت برای جسم انسان و معرّف اوست؛ اما سایر اسباب معاش انسان از قبیل غذا و طعام و مسکن و علوم و صنایع، مانند ثوب نیست؛ زیرا آن امور برای همه افراد عام است و به شخص خاص اختصاص ندارد تا به او بر گردد (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۳۶). بنابراین می‌توان گفت؛ ثواب در لغت، همان پاداش و اجری است که به شخص بر می‌گردد.

۴- کاربردهای قرآنی و روایی ثواب

ثواب در قرآن، همان معنای لغوی آن؛ یعنی مطلق جزا، اعم از خیر و شر است که از قرائن موجود در آیه دانسته می‌شود مراد جزای بر خیر است یا شر؛ برای نمونه آیاتی که ثواب در آن، بر جزای خیر دلالت دارد: ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَمَثُوبَةٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ خَيْرٌ لَّوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾؛ و اگر آن‌ها ایمان می‌آوردند و پرهیزکاری پیشه می‌کردند، پاداشی که نزد خداست، برای آنان بهتر بود، اگر آگاهی داشتند! (بقره: ۱۰۳). در آیه دیگر خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا...﴾؛ و (به خاطر بیاورید) هنگامی که خانه کعبه را محل بازگشت و مرکز امن و امان برای مردم قرار دادیم! (بقره: ۱۲۵)؛ مصطفوی، واژه «مَثَابَةٌ» را در آیه شریفه به معنای محلّ اجر گرفته است که به آن باز می‌گردند، نه تنها محلی که مردم به آن رجوع می‌کنند؛ زیرا رجوع به بیت ملازم با اجر نیست (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۳۷). ﴿وَمَنْ يَرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَنْ يَرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَسَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ﴾؛ هر کس پاداش دنیا را بخواد (و در زندگی خود، در این راه گام بردارد) چیزی از آن به او خواهیم داد و هر کس پاداش آخرت را بخواد، از آن به او می‌دهیم و به زودی سپاسگزاران را پاداش خواهیم داد (آل عمران، ۱۴۵). ثواب در آیه شریفه به معنای اجر، جزاء، نتایج دنیوی و اخروی است که به سوی آن‌ها بر می‌گردد و برای آنها حاصل است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۳۷). آیات دیگر نیز بر این معنا دلالت دارد (نساء: ۱۴۵؛ قصص: ۸۰ و...).

برخی از آیاتی که ثواب در آن به معنای جزای بر شر است:

﴿إِذْ تُصْعِدُونَ وَلَا تَلْوُونَ عَلَىٰ أَحَدٍ وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِي أُخْرَاكُمْ فَأَثَابَكُمْ غَمًّا بِغَمٍّ لِّكَيْلًا تَحْزَنُوا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا مَا أَصَابَكُمْ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾؛ (به خاطر بیاورید) هنگامی را که از کوه بالا می‌رفتید و جمعی در وسط بیابان پراکنده شدند و از شدت وحشت) به عقب ماندگان نگاه نمی‌کردید، و پیامبر از پشت سر، شما را صدا می‌زد. سپس اندوه‌ها را یکی پس از دیگری به شما جزا داد این بخاطر آن بود که دیگر برای از دست رفتن (غنایم جنگی) غمگین نشوید، و نه بخاطر مصیبت‌هایی که بر شما وارد می‌گردد. و خداوند از آنچه انجام می‌دهید، آگاه است (آل عمران: ۱۵۳) و آیات دیگر که بر این معنا دلالت دارد (مائده: ۶۰؛ حج: ۱۹؛ مطففین: ۳۶ و...).

با لحاظ معنای لغوی و اصطلاحی، این دو با یکدیگر در ارتباط نزدیک معنایی قرار دارند و می‌توان گفت «با توجه به آن که ثوب، چیزی است که به شخص بر می‌گردد و به فرد معین ارتباط دارد و لباس هر کس دارای کیفیت، اندازه و خصوصیات مشخصی است که مناسب خود اوست و آن مانند صورت و زینت برای جسم انسان و معرف انسان است پس مانند اجر است که حصول و تحقق آن انتظار می‌رود؛ اما سایر اسباب معاش انسان همچون غذا، مسکن، علوم و صنایع مانند ثوب نیست» (ر.ک: مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۳۶).

در روایات نیز ثواب در معنای لغوی آن به کار رفته است که قابل تطبیق بر ثواب در اصطلاح تفسیری است. با توجه به اینکه روایات به صورت تفصیل در ادامه خواهد آمد در اینجا تنها به یک روایت بسنده می‌شود که ثواب در آن به معنای مطلق جزا آمده است.

نقل شده است امام موسی بن جعفر علیه السلام بر بالین مردی وارد شد که در حال جان دادن بود و کسی را که آوازش می‌نمود، پاسخ نمی‌داد. افراد حاضر گفتند: کاش حال رفیق خود و چگونگی مردن او را می‌دانستیم! امام در پاسخ فرمود: «إِنَّ الْمَوْتَ هُوَ الْمَصْفَاةُ، يَصْفَى الْمُؤْمِنِينَ مِنْ ذُنُوبِهِمْ، فَيَكُونُ آخِرُ أَلَمٍ يَصِيبُهُمْ كَفَّارَةً آخِرٍ وَزِرٍّ عَلَيْهِمْ. وَ يُصَفَّى الْكَافِرِينَ مِنْ حَسَنَاتِهِمْ، فَتَكُونُ آخِرَ لَذَّةٍ أَوْ نِعْمَةٍ أَوْ رَحْمَةٍ تَلْحَقُهُمْ هُوَ آخِرُ ثَوَابٍ حَسَنَةٍ تَكُونُ لَهُمْ»؛ مرگ وسیله پاک نمودن است که مؤمنان را از گناهان خالص می‌کند و آخر رنجی است که به ایشان می‌رسد و کفاره آخرین گناهی است که بر ایشان است و آن کافران را از حسنات خالص می‌نماید و آخر لذت یا نعمت یا رحمتی است که به آن‌ها می‌رسد و آن آخر ثواب حسنه‌ای است که برای آن‌هاست» (صدوق، ۱۴۱۴ق، ص ۵۴). در این روایت ثواب به معنای جزاست که همان معنای لغوی آن باشد.

پس از مشخص شدن معنای ثواب در لغت و آیات و روایات قبل از وارد شدن به اصل پژوهش این تحقیق ابتدا به صورت اجمال به گونه‌های ثواب در آیات و روایات پرداخته می‌شود چراکه شرایط نیل به این دو گونه ممکن است در مواردی متفاوت باشد.

۵- گونه‌های ثواب در آیات

اگر ثواب به همان معنای لغوی آن، که مطلق جزاست در نظر گرفته شود، می‌تواند هم دنیوی باشد و هم اخروی، چنان‌که قرآن در باره گروهی از مؤمنان که از ایمان قوی برخوردار نبودند و به جهت انگیزه‌های دنیوی در جنگ شرکت کرده بودند، می‌فرماید: «وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَابًا مُؤَجَّلًا وَمَنْ يَرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا» (آل عمران: ۱۴۵)؛ هیچ‌کس، جز به فرمان خدا نمی‌میرد. سرنوشتی است تعیین شده (بنابراین، مرگ پیامبر یا دیگران، یک سنت الهی است). هرکس پاداش دنیا را بخواهد (و در زندگی خود، در این راه گام بردارد) چیزی از آن به او خواهیم داد. از آیه شریفه استفاده می‌شود: افراد یاد شده در آیه، می‌توانند به بخشی از خواسته‌های مادی و دنیوی خود که از آن تعبیر به ثواب دنیا شده است، برسند. بنابراین می‌توان گفت: مراد از ثواب دنیوی همان نتیجه و بازتاب عمل در دنیا است که بر اساس قوانین حکیمانه الهی و نظام سبب و مسبب عالم هستی شکل گرفته است؛ یعنی کسی که درست تلاش کند تا به اهداف دنیوی مورد نظرش برسد، به نتیجه مورد نظرش خواهد رسید؛ گرچه این نتیجه همیشه با خواسته شخص تطابق ندارد و سنت الهی بر آن است که خداوند به تمام خواسته‌های دنیوی طالبان دنیا پاسخ ندهد (آل عمران: ۱۴۵).

در معنای «ثواب دنیوی» میان مفسران اختلاف نظر وجود دارد. گروهی بر این باورند که مقصود از آن، یاری، غنیمت و نام نیک در دنیا است (فیض کاشانی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۱۷۶). در مقابل، برخی دیگر معتقدند منظور از ثواب دنیوی، تمامی نعمت‌های مادی است که در برابر اعمال شایسته به انسان مؤمن عطا می‌شود. این نعمت‌ها عمدتاً نتیجه رفتارهای صالح بوده و مواردی چون طول عمر، وسعت رزق، سلامت بدن، توفیق در هدایت، دفع بلاها و گرفتاری‌ها را در بر می‌گیرد؛ همچنین عزّت، شرافت، عظمت و برتری بر کافران و معاندان نیز از مصادیق آن شمرده می‌شود (ر.ک: طیب، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۳۸۵).

از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی، «مقصود از ثواب دنیا یعنی اراده محض راجع به دنیای صرف، ولی اگر خواهان آخرت بود و دنیا به عنوان زمینه و گذرگاه منظور می‌شد، ثواب آخرت قطعی و بهره دنیا محفوظ است» (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱۵، ص ۶۹۰-۶۹۱). ایشان در موضعی دیگر، ذیل تفسیر آیه یادشده می‌نویسد: «هرچند خداوند همه آنچه را که مایه صلاح دنیوی مردان الهی است، به آنان عطا کرده است: ﴿فَاتَاهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا﴾ و چیزی از آن فروگذار نکرده، اما متاع دنیا اندک و زوال‌پذیر است، در حالی که ثواب آخرت فراوان و پایدار است. از این رو تعبیر به حُسن ثواب به‌طور ویژه در مورد جزای اخروی به کار رفته است» (همان، ج ۱۵، ص ۷۱۲). در کنار ثواب دنیوی، ثواب اخروی نیز مطرح است، و اصالت با ثواب اخروی است؛ چنان‌که آیات متعددی از قرآن کریم به‌روشنی بر آن دلالت دارد (آل‌عمران: ۱۴۵ و ۱۴۸؛ نساء: ۱۳۴). از این آیات استنباط می‌شود که هر دو نوع ثواب از سوی خداوند متعال عطا می‌شود. در آیه‌ای از سوره نساء آمده است: ﴿مَنْ كَانَ يَرْيُدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا بَصِيرًا﴾ (نساء: ۱۳۴). در تفسیر این آیه، تأکید شده است که انسان مؤمن نباید تنها پایین‌ترین مرتبه ثواب، یعنی ثواب دنیوی، را از خداوند درخواست کند و از برترین مرتبه آن، یعنی ثواب اخروی، غفلت ورزد؛ بلکه شایسته است هر دو را از خداوند بخواهد؛ چراکه هر دو نزد اوست. افزون بر این، اگر مؤمن تنها ثواب اخروی را طلب کند، خداوند ثواب دنیوی را نیز به او خواهد بخشید. ایشان در همین راستا از امیرمؤمنان علیه السلام روایت کرده است: «مَنْ كَانَتْ الْآخِرَةُ هِمَّتَهُ كَفَاهُ اللَّهُ هِمَّهُ مِنَ الدُّنْيَا» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۸، ص ۳۰۷ با عبارت: «مَنْ كَانَتْ هِمَّتُهُ آخِرَتَهُ كَفَاهُ اللَّهُ هِمَّهُ مِنَ الدُّنْيَا» و صدوق، ۱۳۶۲ق، ج ۱، ص ۱۲۹ با اندکی تفاوت در تعبیر): هرکس آخرت همت او باشد خداوند او را از همت ورزیدن به دنیا بی‌نیاز خواهد کرد (فیض کاشانی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۲۴۵).

۶- گونه‌های ثواب در روایات

از روایات نیز استفاده می‌شود ثواب هم دنیوی است و هم اخروی و کمال ثواب در اخروی بودن آن است.

در روایت نقل شده از امام صادق علیه السلام تصریح شده است که بخشی از ثواب و رحمت الهی می تواند دنیوی باشد؛ آنجا که می فرماید: «مَنْ أَعَاتَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ اللَّهْفَانَ عِنْدَ جَهْدِهِ فَتَنَسَّ كُرْبَتَهُ وَأَعَانَهُ عَلَى نَجَاحِ حَاجَتِهِ كَانَتْ لَهُ بِذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَتَانِ وَسَبْعُونَ رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ يَعْجَلُ لَهُ مِنْهَا وَاحِدَةٌ يَصْلُحُ بِهَا مَعِيشَتَهُ وَيَدْخُرُ لَهُ إِحْدَى وَ سَبْعِينَ رَحْمَةً لِأَفْزَاعِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ أَهْوَالِهِ» (کلینی، ۱۳۶۲ق، ج ۲، ص ۱۹۹؛ صدوق، ۱۴۰۶ق، ص ۱۴۹) هر کس به داد برادر مؤمن تشنه کام خود [=گرفتار]، هنگامی که توان از او رفته است، برسد و گرفتاری او را برطرف کند و برای انجام شدن حاجتش به او کمک کند، به سبب این کار برای او هفتاد و دو رحمت از طرف خداوند باشد که خداوند نسبت به یکی از آن‌ها برای او بشتابد و بدان زندگی او را اصلاح کند و هفتاد و یک فقره از آن‌ها را در برابر دلهره‌ها و هراس‌های روز قیامت، برای او ذخیره سازد. در روایات دیگر نزدیک به معنای یادشده آمده است (همان، ص ۱۴۸؛ طبرسی، ۱۳۸۵، ص ۲۱۱). در روایتی از امام صادق علیه السلام به ثواب دنیوی و اخروی کظم غیظ تصریح شده است: «مَا مِنْ عَبْدٍ كَظَمَ غَيْظًا إِلَّا زَادَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عِزًّا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ» (کلینی، ۱۳۶۲ق، ج ۲، ص ۱۱۰؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۶۸، ص ۴۰۹-۴۱۰)؛ هیچ بنده‌ای نیست که خشم خود را فرو نماند، مگر آنکه خداوند بر عزت دنیا و آخرت او بیفزاید. عزت دنیا و آخرت بازتاب فرونشاندن خشم است که روایت بر آن تصریح دارد. امام علی علیه السلام نیز در مورد پاداش نیکی کردن به دیگران می فرماید «أَعْجَلُ الْخَيْرِ ثَوَاباً الْبِرِّ» (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۴۹)؛ شتابان‌ترین خیر از جهت پاداش، پاداش نیکی کردن است. یعنی ثواب و عوض نیکی کردن به مردم زودتر از ثواب هر کار خیری به شخص خواهد رسید. بنابراین، روایات نیز همانند آیات بر دوگونه بودن ثواب و آثار آن تصریح دارند.

۷- شرایط نیل به ثواب

از منظر آیات و روایات، برای آنکه شخص بتواند به ثواب الهی برسد ضروری است تا شرایط لازم را فراهم کند؛ برخی این شرایط، مشترک میان گونه‌ای از ثواب دنیوی و همه ثواب‌های اخروی است و برخی از این شرایط، در گونه‌هایی از ثواب دنیوی شرط نیست که در ادامه به بررسی این شرایط پرداخته می شود.

۷-۱- شرایط نیل به ثواب دنیوی

برای رسیدن به برخی از ثواب‌های دنیوی، شرطی جز خواستن و تلاش درست و متناسب با هدف وجود ندارد. سنت الهی بر آن است که انسان به بخشی از تلاش خود در راستای جلب منفعت برسد (آل عمران: ۱۴۵) در آیه مذکور، برای رسیدن به بخشی از ثواب یعنی؛ غنیمت (فیض کاشانی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۳۹۰-۳۹۱) نیازمند شرطی جز جهاد و جنگیدن نیست. بنابراین برای رسیدن به این نوع از ثواب‌های دنیوی همان حسن فعلی کافی است یعنی کار و تلاش متناسب با هدف انجام گیرد تا به نتیجه و هدف مورد نظر برسد.

این شرط در مورد نیل به ثواب اخروی نیز هست که در ادامه روشن خواهد شد؛ اما در روایات به برخی از اعمال عبادی اشاره کرده است که انجام آن‌ها هم آثار دنیوی دارد و هم آثار اخروی و در آن‌ها به آثار دنیوی آن تصریح شده است و از آن‌جا که هیچ عبادتی بدون نیت و قصد قرب، عبادت نیست تا اثر یا آثارش تحقق یابد، بنابراین عبادت بدون تحقق شرایطش، همان‌طور که اثر اخروی ندارد اثر دنیوی هم نخواهد داشت. بنابر روایت منقول از امام علی علیه السلام عباداتی مانند حج، صلّه رحم، صدقه مخفیانه، و رفتارهای نیک علاوه بر آثار اخروی دارای آثار دنیوی هستند، مثلاً حج، موجب از بین رفتن فقر و صدقه مخفیانه موجب کم شدن گناه است، و نیک‌رفتاری انسان را از مرگ بد و از بلاهایی که از نجات از آن ممکن نیست و موجب خواری بین مردم می‌شود، نجات می‌دهد (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۰۵). برخی از آثار دنیوی ذکر شده در روایت ممکن است بدون قصد قربت نیز اثر دنیوی داشته باشد مانند: نیک‌رفتاری که بنابر یک فرض می‌توان تصور کرد که فرد با رفتار خوبی مانند راستگویی در همین دنیا در میان مردم خوار نمی‌شود. چنانچه در تفسیر آیه هفتم سوره زلزال از امام صادق علیه السلام نقل شده است که خداوند در برابر اعمال نیک کافران، پاداش‌هایی در دنیا به آنان می‌دهد مانند سلامتی بدن، ریاست، وسعت روزی و اولاد بسیار (فیض‌کاشانی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۴۳۶؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۶۷، ص ۲۰۴) ولی برخی از اعمال مانند انجام حج که عبادی است، در صورتی اثر دارد که حج تحقق یابد و گرنه کسی که ایمان ندارد و یا ایمان دارد ولی اخلاص ندارد، این عبادت تحقق نمی‌یابد تا اثر داشته باشد. بنابراین تنها با ظاهر انجام حج بدون شرط ایمان و اخلاص نمی‌توان انتظار اثر دنیوی رفع فقر را داشت. در مورد آثار دنیوی حج علاوه بر روایت مذکور روایات متعدد دیگری نیز وجود دارد (ر.ک: کوفی اهوازی، ۱۴۰۲ق، ص ۱۳؛ ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۴۹؛ صدوق، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۱۷).

۲-۷- شرایط نیل به ثواب اخروی

آخرت‌گرایان در برابر دنیاطلبان، نیز به مرتبه‌ای از ثواب که به شایستگی آنان وابسته است، خواهند رسید. خداوند در این مورد فرموده است: ﴿وَمَنْ يَرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَسَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ﴾ (آل‌عمران: ۱۴۵)؛ و هر کس پاداش آخرت را بخواهد، از آن به او می‌دهیم و به زودی سپاس‌گزاران را پاداش خواهیم داد. از آیات و روایات چنین استفاده می‌شود که برای رسیدن به گونه اخروی ثواب، شرایطی لازم است که در ادامه تبیین خواهد شد.

۱-۲-۷- ایمان

ایمان به خدای متعال، اولین و مهمترین شرط، برای دریافت ثواب الهی است به گونه‌ای که اگر کسی از روی عناد، کافر باشد و به خدا کفر ورزد در پیشگاه الهی هیچ عملی از او پذیرفته نمی‌شود و اگر بر فرض کافر

معاند بهترین اعمال را از نظر توصیف به خوب بودن در اجتماع انجام دهد و آن عمل بار اجتماعی مثبت و خوبی برای زندگی دنیوی او و سایر افراد داشته باشد، آن عمل در عالم ملکوت ارزشی نخواهد داشت و در برابر آن ثوابی نخواهد بود. برای نمونه، اگر مصیبتی بر کافر وارد شود او در برابر این مصیبت چه صبر بکند و چه نکند، ثوابی دریافت نخواهد کرد؛ زیرا فرض بر آن است که او اعتقادی به خدا ندارد که برای او صبر کند و صبر او تنها از روی ناچاری و منافع دنیوی آن است. برخی از آیات دلالت‌کننده بر ضرورت شرط ایمان برای دریافت ثواب عبارت است از: «قَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيَلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِمَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا يَلْقَاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ» (قصص: ۸۰)؛ اما کسانی که علم و دانش به آنها داده شده بود گفتند: وای بر شما ثواب الهی برای کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام می‌دهند بهتر است، اما جز صابران آن را دریافت نمی‌کنند.

این آیه گویای مطلب مذکور است: «وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا» (اسراء: ۱۹)؛ و آن کس که سرای آخرت را بطلبد، و برای آن سعی و کوشش کند- در حالی که ایمان داشته باشد- سعی و تلاش او، (از سوی خدا) پاداش داده خواهد شد. و نیز این آیه که فرمود: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل: ۹۷ و نیز، ر.ک: فتح: ۲۹؛ طه: ۱۲۱؛ انبیا: ۹۴؛ غافر: ۴۰ و...؛) هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم و پاداش آن‌ها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد.

در روایات اسلامی نیز، ضمن اهمیت دادن به ایمان، ثواب آخرت، به ایمان مشروط شده است. قاسم صیرفی، شریک مفضل گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می‌فرمود: «الإِسْلَامُ يَحْقُقُ بِهِ الدَّمَّ وَ تُوَدَّى بِهِ الأَمَانَةُ وَ تُسْتَحَلُّ بِهِ الفُرُوجُ وَ الثَّوَابُ عَلَى الإِيْمَانِ» (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۸۵؛ کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۲۴)؛ به وسیله اسلام، جان حفظ و امانت ادا می‌شود و فروج بدن حلال می‌گردد ولی ثواب آخرت بر ایمان است. ابو عمرو زبیری، می‌گوید: به حضرت صادق علیه السلام گفتم: «أَيُّهَا الْعَالِمُ أَحْبَبْتَنِي أَى الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ قَالَ مَا لَا يَقْبَلُ اللَّهُ شَيْئًا إِلَّا بِهٖ قَلْبٌ وَ مَا هُوَ قَالَ الإِيْمَانُ بِاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ» (همان ج ۲، ص ۳۳-۳۴)؛ ای دانشمند به من خبر بده که از اعمال کدام برتر است؟ فرمود: «آن که خدا هیچ عملی را جز به همراه آن نپذیرد، گفتم: آن چیست؟ فرمود: ایمان به خدائی که شایسته پرستشی جز او نیست. تذکر این نکته نیز لازم است که بر اساس روایات ایمان دارای نشانه‌هایی مانند اقرار و عمل است و امری قلبی است که غیر از اسلام است (همان، ص ۲۴).

بنابر آیات قرآن، ایمان غیر از اسلام است (حجرات: ۱۴) روایت نیز بر این غیریت تصریح دارد (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۲۴) ایمان است که به عمل رنگ و بوی الهی می‌دهد و شخص با ایمان را سزاوار پاداش

الهی می‌کند. در روایت، ایمان از اسلام برتر است؛ زیرا هرکس مؤمن است، به ظواهر اسلام پایبند است، ولی هرکس مسلمان است لزوماً، ایمان در دل او رسوخ نکرده است. در روایتی قابل توجه و البته مفصل امام باقر علیه السلام به تشریح اهمیت ایمان، برای تقرب به سوی خداوند و دریافت پاداش الهی پرداخته و برتری ایمان بر اسلام در آن، تصریح شده است (همان، ص ۲۶-۲۷) از روایت به دست می‌آید رابطه بین ایمان و اسلام عموم و خصوص مطلق است بدان معنا که هر مؤمنی مسلمان است، ولی هر مسلمانی مؤمن نیست. ایمان به خداوند، شامل بالاترین مرتبه آن، که ایمان به ذات باری تعالی باشد تا ایمان به کتاب‌های آسمانی، انبیا، فرستادگان او، فرشتگان و... می‌شود. ایمان به ولی خدا در ارزش‌گذاری عمل جایگاه ویژه دارد، به گونه‌ای که بر اساس روایات متعدد در کتب روایی شیعه اگر کسی از روی عمد ولایت امامان معصوم را نپذیرد اعمال او اگرچه دارای سایر شرایط نیکو بودن باشد، اما در پیشگاه خداوند ارزش ندارد و به آن ثوابی تعلق نخواهد گرفت (همان، ص ۱۸، ص ۲۱؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۶۶، ص ۶۴).

ایمان دارای مراتب است که انسان‌ها با توجه به قابلیت خود از یک طرف و تلاش خود از طرف دیگر آن را دارا هستند؛ بنابراین ایمان، حقیقتی دارای مراتب است که هر کس متناسب با درجه ایمانش، به ثواب الهی خواهد رسید.

۷-۲-۲- عمل صالح

از آیات و روایات دانسته می‌شود که برای نیل به ثواب الهی علاوه بر ایمان، عمل صالح (حسن فعلی) نیز شرط است؛^۱ آیات وارد شده درباره تلاش انسان را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود:

اول، آیاتی که به طور عام بر ضرورت عمل صالح، برای نیل به ثواب تأکید دارد.

دوم، آیاتی که در خصوص تلاش انسان در برابر سختی‌ها، هنگام وارد شدن مصیبت است؛ تلاشی که بر حقایقی، مانند: شکر، رضایت و صبر، دلالت دارد؛ آیات وارد شده درباره مشروط بودن ثواب به عمل صالح بسیار است که به برخی از آن اشاره می‌شود مانند:

﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (نحل: ۹۷)؛ هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به

حیاتی پاک زنده می‌داریم و پاداش آن‌ها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد.

﴿وَأَمَّا مَنْ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَلَهُ جَزَاءُ الْحُسْنَىٰ وَ سَنَقُولُ لَهُ مِنْ أَمْرِنَا يُسْرًا﴾ (کهف: ۸۸)؛ و اما کسی

که ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد، پاداشی نیکوتر خواهد داشت؛ و ما دستور آسانی به او خواهیم داد.

۱. در صورتی که انسان توان بر انجام آن را داشته باشد.

﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ فَمَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَ لَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾ (كهف: ۱۱۰)؛ بگو من فقط بشری هستم مثل شما؛ (امتیازم این است که) به من وحی می‌شود که تنها معبودتان معبود یگانه است؛ پس هر که به لقای پروردگارش امید دارد، باید کاری شایسته انجام دهد، و هیچ‌کس را در عبادت پروردگارش شریک نکند. همچنین آیات دیگری بر امر یادشده دلالت دارند (طه: ۸۲؛ قصص: ۸۰؛ مریم: ۶۰؛ بقره: ۶۲؛ مائده: ۶۹؛ توبه: ۱۰۲؛ مؤمنون: ۵۱؛ فرقان: ۷۰؛ قصص: ۶۷؛ روم: ۴۴؛ سبأ: ۳۷؛ غافر: ۴۰؛ فصلت: ۳۳، ۴۶؛ جاثیه: ۱۵).

آنچه پیرامون عمل صالح مهم است، معیار عمل صالح است. با استفاده از روح و فرهنگ قرآن کریم به روشنی می‌فهمیم که عمل صالح، عمل مطابق با حجت هر عصر است. آیت‌الله جوادی آملی ذیل آیات ۶۲ سوره بقره و ۷۸ سوره اسراء می‌نویسد: «آیات زیادی در قرآن بر این امر تصریح دارند که ثواب الهی که یکی از بالاترین مراتب آن بهشت جاویدان است از شرایط نیل به آن عمل صالح است؛ یعنی رسیدن به بهشت بدون تلاش ممکن نیست و قرآن بر این سعی و تلاش تأکید زیادی دارد و کسانی را که با رویاهای کاذب خود بر این باورند که بدون تلاش و سعی و سر بلندی از امتحانات، به بهشت دست می‌یابند را محکوم می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱۴، ص ۷۳). از نمونه‌های مهم تلاش صبر در برابر انواع ناگواری‌هاست که بر افراد، بر اساس مصلحت الهی فرود می‌آید. از روایات نیز استنباط می‌گردد: ایمان بدون عمل صالح، بی‌معناست و ادعایی بیش نیست. محمدبن مسلم در روایتی گوید: از امام صادق علیه السلام در خصوص ایمان سؤال کردم. حضرت علیه السلام فرمود: «شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ [وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ] وَالْإِقْرَارُ بِمَا جَاءَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ مَا اسْتَقَرَّ فِي الْقُلُوبِ مِنَ التَّصَدِيقِ بِذَلِكَ قَالَ قُلْتُ الشَّهَادَةُ أَلَيْسَتْ عَمَلًا قَالَ بَلَى قُلْتُ الْعَمَلُ مِنَ الْإِيمَانِ قَالَ نَعَمْ الْإِيمَانُ لَا يَكُونُ إِلَّا بِعَمَلٍ وَالْعَمَلُ مِنْهُ وَ لَا يَثْبُتُ الْإِيمَانُ إِلَّا بِعَمَلٍ» (کلینی، ۱۳۶۲ق، ج ۲، ص ۳۸)؛ (ایمان)، شهادت به یگانگی خدا و رسالت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و اقرار به آنچه از طرف خدا آورده است و آنچه که در دل از تصدیق به معانی قرار گیرد. محمدبن مسلم گوید: گفتم: آیا شهادت، عمل نیست؟ فرمود: چرا؟ گفتم: عمل هم از ایمان است؟ فرمود: آری ایمان جز به کردار نیست و کردار از ایمان است و ایمان جز با کردار پا برجا نماند». امام صادق علیه السلام در پاسخ به سؤال ابو عمرو زبیری، پیرامون آنکه آیا ایمان، گفتار با کردار است یا گفتار بی‌کردار؟ فرمود: «الْإِيمَانُ عَمَلٌ كُلُّهُ وَ الْقَوْلُ بَعْضُ ذَلِكَ الْعَمَلِ» (همان، ص ۳۴)؛ همه ایمان کردار است و گفتار هم از کردار است. در ادامه روایت همه اعضای انسان مؤمن، از قلب گرفته تا سایر اعضا دارای وظیفه ایمانی هستند و هر کدام آنان نقشی را در راستای ایمان ایفا می‌کنند.

ابوعمر و زبیری می‌گویند: «قُلْتُ: إِنَّ الْإِيمَانَ لَيْتِمٌ وَ يَنْقُصُ وَ يَزِيدُ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ كَيْفَ ذَلِكَ لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فَرَضَ الْإِيمَانَ عَلَى جَوَارِحِ ابْنِ آدَمَ وَ قَسَمَهُ عَلَيْهَا وَ فَرَّقَهُ فِيهَا فَلَيْسَ مِنْ جَوَارِحِهِ جَارِحَةٌ إِلَّا وَ قَدْ وَكَلَّتْ مِنَ الْإِيمَانِ بَعْزٌ مَا وَكَلَّتْ بِهِ أُحْتَهَا...» (همان)؛ گفتم: آیا ایمان شکل کاملی دارد و کم و بیش می‌شود؟

حضرت علیه السلام فرمود: آری، گفتم: این چگونه است، فرمود: زیرا خدای تبارک و تعالی ایمان را بر اعضا تن آدمی فرض کرده و بر آن‌ها پخش کرده است و تفریق نموده است، پس هیچ عضوی نیست جز آنکه بر یک وظیفه ایمانی گماشته شده است غیر از آنچه عضو دیگر بر آن وظیفه گماشته شده است. در ادامه امام علیه السلام با استناد به آیات قرآن، به گونه‌ای مبسوط، به وظایف اعضا می‌پردازد (همان).

روایات تصریح دارند هر عملی که در راستای فرمان‌برداری خداوند انجام پذیرد، ثواب متناسب را در آخرت در پی خواهد داشت. در روایاتی از امام صادق علیه السلام به ثواب متناسب با رفتار و عملکرد شخص، تصریح شده است. حضرت علیه السلام درباره پاداش خدمت به بندگان مؤمن می‌فرماید: «مَنْ نَفَسَ عَنْ مُؤْمِنٍ كُرْبَةً نَفَسَ اللَّهُ عَنْهُ كُرْبَ الْأَخِرَةِ وَ خَرَجَ مِنْ قَبْرِهِ وَ هُوَ ثَلِجُ الْفُؤَادِ وَ مَنْ أَطْعَمَهُ مِنْ جُوعٍ أَطْعَمَهُ اللَّهُ مِنْ ثَمَارِ الْجَنَّةِ وَ مَنْ سَقَاهُ سَقَاءَ سَقَاءِ اللَّهِ مِنَ الرَّحِيقِ الْمَخْتُومِ» (همان، ج ۲، ص ۹۹)؛ هر که یک گرفتاری از مؤمن برطرف کند، خداوند، گرفتاری‌های آخرت را از او برطرف کند و او را از قبرش دل شاد برانگیزد مؤمنی را به جهت گرسنگی، خوراک دهد، خدا از میوه‌های بهشت به او دهد و هر که او را سیراب کند، خدا از شراب بهشتی مهر زده شده به او بنوشاند. امام رضا علیه السلام فرمود: «مَنْ فَرَّجَ عَنْ مُؤْمِنٍ فَرَّجَ اللَّهُ عَنْ قَلْبِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛ هر کس از مؤمنی گره گشاید، خدا روز قیامت از قلبش گره بگشاید (همان). این دو روایت با ذکر مصادیق عمل صالح به روشنی به نقش عمل صالح در رسیدن به ثواب تصریح دارد. بنابراین تصور رسیدن به ثواب الهی، بدون تلاش، توهمی بیش نیست.

۷-۲-۳- نیت

«نیت» برای سزاوار شدن گونه اخروی آن، شرط است؛ به گونه‌ای که ثواب اخروی بدون «نیت» تحقق نمی‌یابد. برای نمونه در تفسیر آیه ۱۱۰ سوره کهف در روایت، انجام عباداتی مانند نماز، قربانی، روزه، حج و هر عملی که خداوند متعال به آن امر کرده است برای دیگران شرک شمرده شده است و مورد پذیرش خداوند قرار نمی‌گیرد (قمی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲، ص ۴۷) این عدم پذیرش امری اخروی است، یا سختی‌هایی که به انسان و سایر موجودات مختار می‌رسد، برای سزاوار شدن ثواب اخروی، نیت در آن، شرط است؛ البته گاه ممکن است شخص خود به جهت دریافت ثواب الهی به استقبال سختی‌ها برود؛ مانند انجام دادن تکالیف سخت که شخص در مواجهه با آن نیت قربت می‌کند و سزاوار ثواب می‌گردد و گاه شخص خود به استقبال سختی نمی‌رود، بلکه بر او سختی‌ها بدون اینکه خود خواهان آن باشد، فرود می‌آید. در این موارد نیز، برای سزاوار شدن ثواب، می‌بایست برای رضای خداوند در برابر سختی‌ها، صبر کند. نیت است که هر فعل ملکی را ملکوتی می‌کند و فعل با ملکوتی شدن، مشمول ثواب الهی می‌شود. خداوند متعال در اهمیت نیت می‌فرماید: «وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا» (اسراء: ۱۹) و آن

کس که سرای آخرت را بطلبد، و برای آن سعی و کوشش کند - در حالی که ایمان داشته باشد - سعی و تلاش او، (از سوی خدا) پاداش داده خواهد شد.

در آیه شریفه ۱۷۲ سوره آل عمران - که در بحث شرط ایمان برای نیل به ثواب نیز، به آن استناد شد - برای نیل به ثواب آخری، علاوه بر ایمان، نیت و وجه اخروی اش در آن شرط شده است. در آیه دیگر خداوند متعال می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ﴾ (آل عمران: ۱۷۲). در آیه شریفه، اجر عظیم، به احسان و تقوی مشروط شده است. روشن است تقوا بدون نیت غیر ممکن است. حتی اگر احسان را، حسن فعلی بگیریم و آن را به نیت الهی مشروط نکنیم، ولی احسان همراه با تقوا دارای اجر عظیم است. علامه طباطبائی، ذیل آیه شریفه را دلیل بر آن می‌داند که همه اجابت کنندگان در این داستان برای خداوند درکار خود اخلاص نداشتند؛ بلکه در بینشان کسانی بوده‌اند که احسان و تقوا نداشته‌اند، تا سزاوار اجر عظیم خدای سبحان بشوند. (طباطبائی، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۶۳) در آیه دیگر آمده است: ﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ﴾ (بینه: ۵)؛ مأموریت نیافتند جز اینکه خدا را از روی اخلاص بپرستند.

خداوند متعال، خیر را که از مصادیق ثواب الهی است، به افراد متقی وعده داده است و می‌فرماید: ﴿وَقِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ خَيْرًا لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ لَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَ لَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ﴾ (نحل: ۳۰).

در آیه دیگر، خداوند متعال پاداش عمل انفاق را که از مصادیق عمل صالح است و دارای پاداش زیاد است، مشروط به نیت و انفاق در راه خود کرده است. خداوند متعال در این باره می‌فرماید: ﴿مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَ اللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ (بقره: ۲۶۱). آیت‌الله جوادی آملی ذیل این آیه شریفه، روایاتی از تفاسیر روایی نقل می‌کند و در توضیح روایات می‌گوید: «از خداوند چیزی صادر نمی‌شود، مگر طیب و طاهر و به طرف آن حضرت چیزی بالا نمی‌رود مگر طیب و طاهر؛ ﴿إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ﴾ (فاطر: ۱۰). سخنان پاکیزه به سوی او صعود می‌کند، و عمل صالح را بالا می‌برد. بنابراین اگر فعلی از نقاوت مطلوب برخوردار نبود هرگز به مقصد نمی‌رسد، از این رو امام صادق علیه السلام فرمود: هر عملی که انجام می‌دهی باید نقی و پاکیزه باشد. این معنا روشن است که کار پاک از قلب پاک پدید می‌آید و قلب مؤمن است که از روٹ سُمعه و لوٹ ریا، قذارات جاه‌طلبی طاهر است. تصریح به ایمان ناظر به لزوم عنصر دوم، یعنی حسن فاعلی است و گرنه صرف انفاق که حسن فعلی است مادامی که به حسن فاعلی؛ یعنی ایمان انفاق کننده ضمیمه نشود سودمند نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱۲، ص ۳۳۴-۳۳۵).

علاوه بر آیات قرآن، در روایات اسلامی نیز، بر اهمیت اخلاص تأکید ویژه‌ای شده است، از امام صادق علیه السلام در ذیل آیه شریفه: «مَا كَانَ إِبْرَاهِيمُ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُّسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (آل عمران: ۶۷). در تفسیر «حَنِيفًا مُّسْلِمًا» فرمود: «خَالِصًا مُّخْلِصًا لَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ مِنْ عِبَادَةِ الْأَوْثَانِ»؛ خالص و با اخلاص بودن که در آن، چیزی از پرستش بت‌ها نباشد (کلینی، ۱۳۶۲ق، ج ۲، ص ۱۵).

از امام رضا علیه السلام روایت شده است: علی علیه السلام فرمود: «كَانَ يَقُولُ طُوبَى لِمَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ الْعِبَادَةَ وَ الدُّعَاءَ وَ لَمْ يَشْغَلْ قَلْبُهُ بِمَا تَرَى عَيْنَاهُ وَ لَمْ يَنْسَ ذِكْرَ اللَّهِ بِمَا تَسْمَعُ أُذُنَاهُ وَ لَمْ يَحْزَنْ صَدْرَهُ بِمَا أُعْطِيَ غَيْرُهُ» (همان، ص ۱۶)؛ خوشا بر کسی که عبادت و دعا را برای خدا خالص کند و دلش به آنچه دیده‌اش می‌بیند مشغول نگردد و به آنچه دو گوشش می‌شنوند یاد خدا را فراموش نکند و دلش به آنچه به دیگری داده‌اند، محزون نشود.

در روایتی از امام صادق علیه السلام از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله بر شرط نیت و رضایت قلبی، برای رسیدن به ثواب الهی تصریح شده است؛ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «يَا مَعْشَرَ الْمَسَاكِينِ طَيِّبُوا أَنْفُسًا وَأَعْطُوا اللَّهَ الرَّضَا مِنْ قُلُوبِكُمْ يَثْبُتْكُمْ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَى فَقْرِكُمْ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَلَا ثَوَابَ لَكُمْ» (همان، ص ۲۶۳)؛ ای گروه مستمندان؛ پاکدل باشید، و رضایت قلبی خود را به درگاه خدا تقدیم کنید تا خدای عزوجل شما را برای فقرتان ثواب دهد، و اگر انجام ندهید، ثوابی ندارید. علامه مجلسی، روایت را تأییدی بر اصول متکلمان در باب ثواب و عوض گرفته است. او ثواب را عبارت از پاداش دائمی در آخرت می‌داند که تنها برای فعل اختیاری است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۶۹، ص ۱۷).

در جایی دیگر در توضیح روایتی که در آن ثواب بر فقر، مشروط به رضایت بر فقر است: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ: قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: يَا مَعْشَرَ الْمَسَاكِينِ طَيِّبُوا أَنْفُسًا وَأَعْطُوا اللَّهَ الرَّضَا مِنْ قُلُوبِكُمْ يَثْبُتْكُمْ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَى فَقْرِكُمْ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَلَا ثَوَابَ لَكُمْ» (همان، ج ۶۹، ص ۱۷). روایت را دلیل بر کلام متکلمان می‌داند که ثواب در قبال رضای به فقر است و نه بر اصل فقر و ثواب جزای دائمی در آخرت است که تنها بر فعل اختیاری تعلق می‌گیرد اما آنچه را خداوند متعال در برابر آلام غیر اختیاری عطا می‌کند جزای منقطع در دنیا و یا آخرت است. او سپس به تفصیل به بیان گفتار علامه حلی و شارح آن پرداخته است (همان).

در توحید مفضل نیز حکمت اختیار انسان، توانایی او برای انجام عمل صالح برای شایستگی ثواب بیان شده است (مفضل بن عمر، بی تا، ص ۱۷۳) یعنی فرد با اختیار خود می‌تواند نیت کند که کار خوب را برای خدا انجام دهد تا به ثواب الهی برسد.

فرد مؤمن، می‌تواند با نیت به تمام کارهای خود حتی کارهای مباح و لذت‌های دنیوی رنگ الهی دهد و خود را از ثواب الهی بهره‌مند سازد. در روایتی زیبا، رسول اکرم صلی الله علیه و آله به ابوذر می‌فرماید: «يَا أَبَاذَرٍّ لَيْكُنْ لَكَ فِي كُلِّ شَيْءٍ نِيَةٌ حَتَّى فِي النَّوْمِ وَالْأَكْلِ»؛ ای اباذر، برای هر امری حتی اموری مانند خوابیدن و خوردن، باید

برای تو نیتی باشد (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۶۲؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۴، ص ۸۴). در روایتی دیگر با اندکی تفاوت در اینکه مراد از نیت، نیتی الهی داشتن است تصریح شده است: «يَكُنْ لَكَ فِي كُلِّ شَيْءٍ نِيَّةٌ صَالِحَةٌ حَتَّىٰ فِي النَّوْمِ وَالْأَكْلِ» (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۶۴)، برای هر امری حتی اموری مانند خوابیدن و خوردن، باید تو را نیتی صالح باشد.

آیت الله مصباح یزدی، در توضیح روایت فوق می گوید: «ارزش هر کاری که انسان انجام می دهد حتی عبادت و بندگی خداوند، به نیت بستگی دارد: ارزیابی یک عمل با دو نیت متفاوت یکسان نیست. کسی که به خانه دوستش دعوت می شود اگر دعوت او را پاسخ گوید، کار شایسته ای کرده است؛ اما اگر در اجابت دعوت دوستش قصد قربت داشته باشد و برای اینکه خداوند اجابت دعوت مؤمن را دوست دارد، به خانه او برود؛ عمل او عبادت به شمار آمده و بر آن پاداش ثواب مترتب است. بنابراین باید توجه داشت که انسان می تواند به تمام کارهای روزمره خویش، از خوابیدن، خوردن، نگاه کردن و حتی شوخی کردن گرفته تا انجام اعمال نیکی چون نماز و روزه رنگ عبادت ببخشد و این در صورتی است که این امور برای رضای خداوند و به جهت بندگی و اطاعت او انجام گیرد» (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۲۵۷-۲۵۸).

شهید مطهری نیز، نیت را شرط اساسی برای نیل به ثواب الهی و خوبی فعل می داند و در این راستا علاوه بر تحلیل عقلی به آیات و روایاتی استناد نموده است (مطهری، بی تا، ج ۱، ص ۳۰۰) ایشان در تبیین و تحلیل روایات یاد شده می گوید: (روایات) در یک جمله می گویند: «نیت، جان عمل است و همان طوری که تن آدمی شریف است به جان آدمیت، شرافت عمل آدمی نیز بستگی به جان آن دارد. جان عمل چیست؟ جان عمل، اخلاص است» (همان، ص ۳۰۱).

پس از پیروزی امیرمؤمنان علیه السلام در نبرد جمل یکی از یاران وی گفت: دوست داشتم برادرم فلان، اینجا بود تا ببیند خدا چگونه تو را بر دشمنانت نصرت بخشید. حضرت علی علیه السلام فرمود: «أَهْوَىٰ أَحْيِكَ مَعْنَا؟ فَقَالَ نَعَمْ، قَالَ فَقَدْ شَهِدْنَا وَ لَقَدْ شَهِدْنَا فِي عَسْكَرِنَا هَذَا قَوْمٌ أَقْوَامٌ فِي أَصْلَابِ الرَّجَالِ وَ أَزْحَامِ النِّسَاءِ سَيَرَعَفُ بِهِمُ الزَّمَانُ وَ يَقْوَىٰ بِهِمُ الْإِيمَانُ» (شریف رضی، ۱۳۷۸، خطبه ۱۲، ص ۵۵)؛ آیا برادرت دوستدار ماست؟ گفت آری. فرمود: پس با ما بوده است. مردمانی هم که هنوز در پشت پدران و زهدان مادران اند، در این کارزار با ما هستند، مردمی که گردش روزگار آنان را روی کار آورد و ایمان بدانها نیرومند شود (همان، ص ۱۵). بنابراین روایت منقول از شیخ صدوق، کسانی که برای غیرخدا عمل نموده اند در روز قیامت طلبی از خداوند متعال ندارند و خود را از ثواب الهی محروم کرده و از اشقیاء هستند (صدوق، ۱۴۱۴ق، ص ۷۸). ارزش نیت در روایات به اندازه ای است که حتی از اصل عمل برتر شمرده شده است و دلیل آن این است که نیت است که عمل را ملکوتی و ابدی می کند و در سعادت واقعی انسان تأثیر می گذارد. از امام صادق علیه السلام روایت است که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در اهمیت نیت می فرماید: «نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ وَ نِيَّةُ الْكَافِرِ

شَرُّ مَنْ عَمَلِهِ وَ كُلُّ عَامِلٍ يَعْمَلُ عَلَى نِيَّتِهِ» (کلینی، ۱۳۶۲ق، ج ۲، ص ۸۴)؛ نیت مؤمن از کردارش، بهتر است و نیت کافر، از کردارش بدتر. و هر عاملی بر نیتی که دارد عمل می‌نماید. ارزش نیت به اندازه‌ای است که اگر فرد توان انجام کار خوب را ندارد، ولی دوست دارد که انجام بدهد و در علم الهی است که در صورت توان بر انجام فعل آن را انجام می‌داد، خداوند بر اساس همان نیت پاداش می‌دهد. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «إِنَّ الْعَبْدَ الْمُؤْمِنَ الْفَقِيرَ لَيَقُولُ يَا رَبِّ ارْزُقْنِي حَتَّى أَفْعَلَ كَذَا وَ كَذَا مِنَ الْبِرِّ وَ وُجُوهُ الْخَيْرِ فَإِذَا عَمِلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ذَلِكَ مِنْهُ بِصِدْقِ نِيَّةٍ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلَ مَا يَكْتُبُ لَهُ لَوْ عَمِلَهُ إِنْ اللَّهُ وَاسِعٌ كَرِيمٌ» (همان، ص ۸۵؛ کلینی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۲۵۹)؛ به راستی بنده مؤمن فقیر می‌گوید: پروردگارا به من روزی بده تا چنین و چنان از احسان و کار خیر کنم و چون خدا بداند که راست می‌گویم، برای او همان مزد را بنویسد که اگر آن کار را می‌کرد، به راستی خدا واسع و کریم است. یکی از توجیحات در تبیین خلود در بهشت و جهنم مسئله نیت است بنا بر روایت، امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّمَا خُلِدَ أَهْلُ النَّارِ فِي النَّارِ لِأَنَّ نِيَاتِهِمْ كَانَتْ فِي الدُّنْيَا أَنْ لَوْ خُلِدُوا فِيهَا أَنْ يَعْصُوا اللَّهَ أَبَدًا وَ إِنَّمَا خُلِدَ أَهْلُ الْجَنَّةِ فِي الْجَنَّةِ لِأَنَّ نِيَاتِهِمْ كَانَتْ فِي الدُّنْيَا أَنْ لَوْ بَقُوا فِيهَا أَنْ يَطِيعُوا اللَّهَ أَبَدًا فَبِالنِّيَّاتِ خُلِدَ هَؤُلَاءِ وَ هَؤُلَاءِ ثُمَّ تَلَا قَوْلَهُ تَعَالَى - ﴿قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ﴾ قَالَ عَلَى نِيَّتِهِ» (همان)؛ همانا دوزخیان در دوزخ جاویدند؛ زیرا در دنیا نیت دارند که اگر جاوید بمانند همیشه نافرمانی خدا کنند... و همانا اهل بهشت در آن جاویدند؛ زیرا در دنیا نیت دارند که اگر همیشه در آن بمانند از خدا اطاعت کنند پس آنان و اینان به وسیله نیت، جاوید بمانند، سپس قول خدا تعالی را خواند: «بگو هر کس عمل می‌کند بر طبع و منش خود» (اسراء: ۸۴). فرمود: یعنی بر نیت خود.

در نهج البلاغه از علی علیه السلام نقل شده است که خطاب به یکی از یارانش هنگامی که از بیماری شکوه نمود فرمود: «جَعَلَ اللَّهُ مَا كَانَ مِنْ شُكْرَاكَ حَطًّا لِسَيِّئَاتِكَ فَإِنَّ الْمَرَضَ لَا أَجْرَ فِيهِ وَ لَكِنَّهُ يَحُطُّ السَّيِّئَاتِ وَ يَحُثُّهَا حَتَّى الْأُورَاقِ وَ إِنَّمَا الْأَجْرُ فِي الْقَوْلِ بِاللِّسَانِ وَ الْعَمَلِ بِالْأَيْدِي وَ الْأَقْدَامِ وَ إِنْ اللَّهُ سُبْحَانَهُ يَدْخُلُ بِصِدْقِ النَّيَّةِ وَ السَّرِيرَةِ الصَّالِحَةِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ الْجَنَّةَ» (شریف رضی، ۱۳۷۸ق، حکمت ۴۲، ص ۴۷۶) خدا آنچه را از آن شکایت داری موجب کاستن گناهانت گرداند، چه در بیماری مزدی نیست، لیکن گناهان را می‌کاهد و می‌پیراید چون پیراستن برگ درختان، و مزد در گفتارست به زبان، و کردار با گام‌ها و دستان، و خدای سبحان به خاطر نیت راست و نهاد پاک - بنده - هر بنده را که خواهد به بهشت در آورد» (شریف رضی، ۱۳۷۸ق، ص ۳۶۸).

در توضیح حدیث، سید رضی می‌گوید: «امام علیه السلام راست گفت که در بیماری مزدی نیست، چه بیماری از جمله چیزهاست که آن را عوض است - نه مزد - چرا که استحقاق عوض مقابل بلا و مصیبتی است که از جانب خدا بر بنده آید؛ چون دردها و بیماری‌ها و مانند آن، و مزد و پاداش در مقابل کاری است که بنده کند، و میان عوض و مزد فرق است و امام چنانکه علم نافذ و رأی رسای او اقتضا کند آن را بیان فرمود»

همان). به نظر می‌رسد سخن سید رضی جامع نباشد؛ زیرا سخن مطرح شده در روایت به شکل مهمل آمده است و در آن بیان نشده است. تمام بیماری‌ها برای پاکی از گناهان است؛ زیرا می‌توان فرض کرد که شخص بدون داشتن گناهی بیمار شود، مانند: بیماری اطفال، دیوانگان و مستضعفان فکری یا بیماری‌هایی که بر انبیاء و اولیای خداوند نازل می‌شود؛ بنابراین از روایت تنها استفاده می‌شود که برای نیل به ثواب، نیت و عمل، شرط است و تنها بیماری موجب اجر نمی‌شود؛ بلکه اگر انسان در برابر بیماری از خود واکنش درست نشان دهد، مانند آنکه برای خداوند بر آن صبر نماید و شکوه نکند، بدون شک او مشمول ثواب الهی خواهد شد؛ زیرا صبر کردن، خود عمل است و صبر برای رضای خداوند عملی بسیار سخت است.

روایت فوق از روایاتی است که محدثان و شارحان نهج البلاغه به توضیح آن پرداخته‌اند؛ به گونه‌ای که برخی از شارحان نهج البلاغه بر آن‌اند که کلام مختصر علی علیه السلام، مسائل مهمی از مسائل کلامی، مانند: استحقاق اجر بر عمل، استحقاقی بودن ثواب یا تفضلی بودن آن، مسئله احباط و تکفیر، ترادف بین اجر و ثواب یا تفاوت بین آن‌ها اشاره شده است (هاشمی خویی، ۱۳۵۸، ج ۲۱، ص ۷۹-۸۰). در نهایت از مجموع آیات و روایات چنین به دست می‌آید که برای رسیدن به گونه ثواب اخروی علاوه بر ایمان و عمل صالح، داشتن نیت الهی نیز شرط است.

۸- امکان جمع بین ثواب دنیوی و اخروی

پس از مشخص شدن گونه‌های ثواب و شرایط نیل به آن، با تحلیل عقلی و دقت در محتوای آیات و روایات روشن خواهد شد که برای شخص مؤمن، امکان نیل به هر دو نوع ثواب وجود دارد و برای غیر مؤمن تنها نیل به بخشی از ثواب دنیوی است. برای نمونه، جهاد در راه خدا اگر به نیت خدا شکل گیرد علاوه بر پاداش اخروی، نصرت الهی شامل حال مؤمنان شده و از پاداش دنیوی آن مانند پیروزی نیز بهره‌مند خواهند بود. ثواب دنیوی اختصاص به غیر مؤمنان و یا مؤمنان سست‌ایمان ندارد؛ بلکه مؤمنان راستین نیز ممکن است علاوه بر سزاوار شدن ثواب اخروی، از ثواب الهی در دنیا نیز برخوردار شوند؛ چنان که خداوند متعال در وصف مجاهدان می‌فرماید: ﴿فَاتَاهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَ حُسْنَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ (آل عمران: ۱۴۸). از این رو خداوند پاداش این جهان، و پاداش نیک آن جهان را به آن‌ها داد و خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد. این ثواب شامل نصرت الهی، غنیمت و نیکی نام در دنیا و آخرت است و بهشت و نعمت‌های آن در آخرت (فیض کاشانی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۳۹۰-۳۹۱). ذیل آیه شریفه ۲۷ یونس از امام باقر علیه السلام روایت است که حُسن بهشت است و زیاده دنیا است و آنچه را خداوند در دنیا عطا می‌کند در آخرت محاسبه نمی‌کند (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۱۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۴۰۰؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۳۱۰) از مجموع آیات و روایات دانسته می‌شود که جمع میان ثواب دنیا و آخرت امکان

دارد؛ گرچه در مواردی این جمع ممکن نیست، مانند شهادت فرد مجاهد که اگرچه از ثواب دنیوی شامل پیروزی ظاهری و غنایم محروم خواهد بود؛ ولی به حسنات دیگرش که شهادت و استفاده از رزق الهی باشد بهره‌مند می‌شود (آل عمران: ۱۶۹). تحلیل‌های یادشده درباره ثواب بر اساس این بود که ثواب الهی، امری اعتباری باشد که خداوند در دنیا یا آخرت اعتبار نموده است که آن را به سزاوارش بدهد، ولی اگر ثواب‌های الهی بر اساس رابطه علی و معلولی و یا بر اساس تجسم اعمال باشد، اثر هر کاری چه در دنیا و چه در آخرت آشکار است؛ اگرچه به علت محدودیت ادراک، نتوان تمام آثار و تجسم اعمال را مشاهده کرد و تحلیل و تبیین این امر به پژوهشی مستقل نیاز دارد (ر.ک: مطهری، بی تا، ج ۱، ص ۲۲۸).

نتیجه‌گیری

ثواب از مفاهیم قرآنی - روایی است که از آیات و روایات استفاده می‌شود که به دوگونه دنیوی و اخروی تقسیم می‌شود. برای رسیدن به برخی از ثواب‌های دنیوی حسن فعلی و به بیان دیگر تلاش درست کافی است، ولی برای رسیدن به گونه اخروی و گونه‌ای از ثواب‌های دنیوی منصوص که جنبه عبادی دارد باید سه شرط اساسی، تحقق یابد.

اول؛ آنکه باید شخص ایمان به خداوند متعال و تمام متعلقات ایمان داشته باشد.

دوم؛ فعل باید دارای حسن فعلی باشد؛ یعنی در اصطلاح قرآنی مصداقی از عمل صالح باشد، عملی که حجت پشتوانه صالح بودن آن باشد؛ بنابراین این شخص اگر مؤمن باشد ولی کارش صالح نباشد از ثواب الهی محروم خواهد ماند.

سوم نیت الهی داشتن از انجام فعل است یعنی فرد مؤمن علاوه بر اینکه به خداوند ایمان دارد و عملش صالح و داری حجت شرعی است کار را برای رضای خداوند و قصد قربت انجام دهد، نه آنکه به خاطر غیر خدا و اهداف مادی صرف باشد در این صورت نیز به ثواب الهی نخواهد رسید و در نهایت جمع میان ثواب دنیوی و اخروی در مواردی ممکن است گرچه در مواردی به جهت تعارض ممکن است شخص از ثواب دنیا و بهره‌مندی دنیوی محروم شود.

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- نهج البلاغه، محمدبن حسین (شریف رضی) (۱۳۷۸ق)، ترجمه: سیدجعفر شهیدی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱. ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). تحف العقول، قم: جامعه مدرسین.
 ۲. اصفهانی، راغب (۱۴۲۵ق). مفردات الفاظ القرآن الکریم، قم: ذوی القربی.
 ۳. انصاریان، نسرین؛ فلاحی قمی، محمد (۱۳۹۸). «تفاوت معنایی دو واژه اجر و ثواب در قرآن»، اندیشه‌های قرآنی متفکران معاصر، شماره ۱۲۹، صص ۱-۱۶.
 ۴. آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶). تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، قم: دفتر تبلیغات.
 ۵. برقی، احمدبن محمدبن خالد (۱۳۷۱ق). المحاسن، قم: دار الکتب الاسلامیه.
 ۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷). تسنیم، تحقیق: عبدالکریم عابدینی، قم: اسرا.
 ۷. سروریان، حمیدرضا؛ بنیانی، محمد (۱۳۹۲). «ثواب استحقاق یا تفضل در رهیافت کلامی و متون دینی»، اندیشه نوین دینی، شماره ۳۵، صص ۱۵۱-۱۶۸.
 ۸. صادقی فدکی، سیدجعفر (۱۳۸۲). ثواب، دائرة المعارف قرآن کریم، قم: بوستان کتاب.
 ۹. صدوق، محمدبن علی (۱۳۶۲ق). الخصال، قم: جامعه مدرسین.
 ۱۰. صدوق، محمدبن علی (۱۴۰۶ق). ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، قم: دارالشریف الرضی.
 ۱۱. صدوق، محمدبن علی (۱۴۱۴ق). اعتقادات الإمامیه، قم: کنگره شیخ مفید.
 ۱۲. صدوق، محمدبن علی (۱۳۸۵). علل الشرایع، قم: داوری.
 ۱۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
 ۱۴. طبرسی، علی بن حسن (۱۳۸۵ق). مشکاة الأنوار فی غرر الاخبار، نجف: المكتبة الحیدریة.
 ۱۵. طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲ق). مکارم الأخلاق، قم: شریف رضی.
 ۱۶. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵)، مجمع البحرين، تحقیق: سیداحمد حسینی، تهران: کتاب فروشی مرتضوی.
 ۱۷. طیب، سیدعبدالحسین (۱۳۷۸). اطبیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: اسلام.
 ۱۸. فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۸ق). الأصفی فی تفسیر القرآن، تحقیق: محمدحسین درایتی و محمدرضا نعمتی، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
 ۱۹. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق). تفسیر القمی، قم: دار الکتاب.
 ۲۰. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۲ق). الکافی، تهران: اسلامیه.
 ۲۱. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۷۵). الکافی، ترجمه: محمدباقر کمره‌ای، قم: اسوه.
 ۲۲. کوفی اهوازی، حسین بن سعید (۱۴۰۲ق). الزهد، قم: المطبعة العلمیه.
 ۲۳. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق). بحار الأنوار الجامعه لدرر الاخبار الاثمه الأطهار، بیروت: مؤسسة الوفاء.
 ۲۴. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۴). آموزش عقاید، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
 ۲۵. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۲۶. مطهری، مرتضی (بی تا). مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران: صدرا.

۲۷. هاشمی خوئی، میرزاجیب الله و دیگران (۱۳۵۸). منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة، مصحح: سیدابراهیم میانجی، تهران: مکتبه الاسلامیه.